

تفسير احمد

سوره اخلاص



Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمه و تفسير سوره اخلاص
تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مهتم و ديزاين: الحاج سليم عابد « پيمان »

سوره الاخلاص

سوره الاخلاص

این سوره در « مکه مکرمه » نازل شده و دارای 4 آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

ترجمه آیات:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

قل هو الله احد (1) (ای پیامبر) بگو او (الله تعالی) یگانه است

الله الصمد (2) که همه نیازمندان قصد او می کنند

لم یلد و لم یولد (3) نه زاده و زاییده نشده

و لم یکن له کفوا احد (4) و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست

سوره اخلاص خداوند (ج) را به یکتایی در ذات وصف کرده: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و خدا را تنها مرجع رفع همه نیازهای مخلوقات معرفی داشته است: «اللَّهُ الصَّمَدُ» و هر گونه صفت نقصی مانند ترکیب و داشتن اجزا و به وجود آمدن از شیئی دیگر را از او نفی می کند: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» و او را از هر گونه شریک داشتن مُبرّا می داند: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

معلومات مؤجز :

« الاخلاص » نه تنها نام سوره است بلکه عنوانی برای مطالب سوره هم می باشد .

بخاطری این سوره، را سوره اخلاص می گویند که این سوره از یکسو درباره توحید خالص خدای عزوجل سخن می گوید و از سوی دیگر بنده را از شرک یا از آتش جهنم خلاص می سازد.

قرآن عظیم الشان مشتمل بر سه چیز است: احکام ، اخبار و توحید ، و چون این سوره مشتمل بر خلوص توحید است، از این سبب مشتمل بر ثلث قرآن کریم است.

ابو عباس قرطبی رحمه الله می گوید: این سوره دارای دو نام از نامهای پروردگار است که در هیچ سوره دیگری از سور های قرآن کریم ذکر نگردیده است و آن دو نام عبارت اند از « أحد » و « صمد ».

بعضی از علماء می گویند مراد از اینکه سوره « اخلاص » معادل ثواب تلاوت سوم حصه قرآن است ، به این معنی که اگر کسی این سوره را سه بار تلاوت می کند، به مانند آن است که تمام قرآن کریم را تلاوت نموده است.

مسلم که مشبه به (کل قرآن کریم) از مشبه (سوره اخلاص) کامل تر است .

« سوره اخلاص » از جمله سوره های مکی ، دارای (1) رکوع ، و (4) چهار آیت ، و (17) هفده کلمه ، و (49) چهل و نه حرف ، و (10) ده نقطه است .

در مجموع محتوی این سوره به پنج صفت از صفات الهی تمرکز دارد: از جمله خدای

سوره الاخلاص

یکی است، صمد است، نه زاده و نه زائیده، و نه کسی کفو و همتای اوست. یعنی خدا یکی از معبودان نه، بلکه معبود یکتاست، در کنار او معبود دیگری نیست، هیچ شریکی ندارد، کسی را در الوهیت و ربوبیت شریک او مگیرید، خدا صمد بی نیاز و خود کفاست، در هیچ چیزی محتاج و نیازمند دیگری نیست، هر تصویری که نقص، کمبود، عیب، احتیاج و ضعف را به خدا نسبت دهد، تصویریست نادرست و ناقص، خدا کمال مطلق است، از هر لحاظی کامل است، خدا خالق است، او را با مخلوق تشبیه نکنید، مخلوق برای بقای نسل خود محتاج «زادن» است، اگر نژاد نابود می شود، مخلوق را دیگری آفریده، از دیگری زاده شده، در وجود خود نیازمند آفریدگار است، در مورد خدا از دید گاهی که «مخلوق» بشما القا کرده، میندیشید، مبدا ارزایی های شما در مورد خدا با معیارهای باشد که در مورد مخلوق صدق می کند، «زادن» و «زائیدن» از خصوصیات مخلوق است، مخلوق برای بقای خود به این خصوصیات نیازمند و محتاج است، خدای نیازمند، خدا نه، بلکه تصور ناقص در باره خداست.

محتوا سوره:

اگر به اعجاز و عبارت زیبا این سوره بطور دقیق توجه بعمل آریم با تمام وضاحت در می یابیم که در چهار آیه مؤجز و کوتاه و زیبا، مبانی اساسی توحید و یکتاپرستی به نحوی بیان گردیده است که همه ابعاد گسترده و عمیق آنرا احتوا می کند، اخلاص در توحید و پیرایش آن از هر نوع شرک دوگانه پرستی را تو ضیح می دهد، اگر کسی خواسته باشد که ایمان به خدا و باور به معبود یکتا را در کوتاه ترین و زیبا ترین کلام افاده کند و همه ابعاد عمیق و دقیق توحید را در چند جمله کوتاه و سلیس بیان نماید، باید همین سوره را تلاوت کند، ثلث قرآن به شرح توحید و یکتا پرستی اختصاص یافته، تمامی مطالبی که در قرآن در باره این بخش آمده، در الفاظ مؤجز و آیات کوتاه این سوره گنجانیده شده است.

اسباب نزول سوره اخلاص:

مفسرین در مورد شأن نزول این سوره روایاتی مختلفی نموده اند: یهود از رسول الله (صلی الله علیه و سلم) خواستند که برای آنها معرفی کند پیامبر صلی الله علیه و سلم سه روز سکوت کرد و جوابی به آنان نگفت تا اینکه این سوره نازل شد. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» یعنی: بگو: الله، یکتا و یگانه است؛ خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند؛ (هرگز) نژاد، و زاده نشد، و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است!

ترمذی، حاکم ابن خزیمه از طریق ابوعلیه از آبی بن کعب (رض) روایت فرموده: مشرکان به پیامبر گفتند: اصل و تبار خدایت را برای ما بیان کن: پس «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» تا آخر سوره نازل شد. طبرانی ابن جریر ما نند این حدیث را از جابر بن عبد الله (رض) روایت کرده اند، از این روایت معلوم که سوره مکی است.

فضیلت سوره اخلاص:

سوره اخلاص به نام های مختلفی مسمی می باشد ولی یکی از نام های این سوره «اخلاص»

سوره الاخلاص

است ، طوریکه از نام این سوره معلوم میگردد این سوره از توحید پروردگار، و یگانگی او سخن می بعمل می آورد ، و در چهار آیه کوتاه چنان توصیفی از یگانگی پروردگار با عظمت می کند ، که ضرورتی به سخن اضافه در آن دیده نمیشود .

در مورد فضیلت سوره اخلاص رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ اَنْ هَا لَتَعْدِلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ » «قسم به کسی که نفسم در دست اوست سوره احد معادل یک سوم قرآن است». (رواه بخاری)

- هر کس به محتوی این سوره مبارکه اعتقاد آن پیدا کند و به معارفی که در آن است اقرار کند، مؤمنی با اخلاص خواهد شد .

- اعتقاد به محتوی سوره اخلاص سبب خلاصی و رهایی اهل توحید از آتش جهنم می شود .

- هرکسی اسماء و اوصاف در این سوره را دریابد و به حقایق و معانی آنها ایمان آرد، از هر نوع شرک، نفاق و گمراهی خلاص و در نیت و عمل مخلص می شود .

سوره «اخلاص» در ثواب قرائت خود معادل ثلث (یک سوم) قرآن کریم می باشد:

در حدیثی از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: « اَنْ رَجُلًا سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ: « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » يَرُدُّهَا. فَلَمَّا أَصْبَحَ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ، وَكَانَ الرَّجُلُ يَتَقَالَّهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا لَتَعْدِلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ». (بخاری: 5014) یعنی: مردی شنید که شخصی، سوره اخلاص را

می خواند و تکرار می کند. او که گویا آن را کار کم اهمیتی می دانست، هنگام صبح، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و داستان را برایش بازگو کرد. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، همانا سوره اخلاص، برابر با يك سوم قرآن است».

همچنین ابوسعید خدری رضی الله عنه در حدیثی دیگری می گوید: « قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ: «أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ؟ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَقَالُوا: أَيْنَا يَطِيقُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ». (بخاری: 5015)) نبی اکرم صلی الله علیه وسلم به یارانش فرمود: «آیا کسی از شما می تواند يك سوم قرآن را در يك شب، تلاوت کند؟» این کار برای آنها دشوار به نظر رسید. لذا پرسیدند: ای رسول الله! چه کسی از ما توانایی چنین کاری را دارد؟ فرمود: «سوره اخلاص، برابر با يك سوم قرآن است». زیرا تمام قرآن کریم، شرح و بیان اصولی است که در این سوره به اجمال ذکر شده است و نیز از آن روی که اصول عام و کلی شریعت اسلام سه چیز است: توحید، بیان حدود و احکام و بیان اعمال و این سوره به تنهایی عهده دار بیان توحید و تقدیس حق تعالی گردیده است.

همچنین سنت است که سوره ی اخلاص را همراه دو سوره ی دیگر از جمله سوره ، « ناس و فلق » ، بعد از نماز صبح و مغرب و هنگام خواب هر کدام سه بار خواند تلاوت نمود .

ابوداود از عبدالله بن حبیب روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم به من گفت:

سوره الاخلاص

بگو. گفتیم: ای رسول الله چه بگویم؟ فرمود: «قل هو الله أحد، والمعوذتين حين تمسى وحين تصبح ثلاث مرات تكفيك من كل شيء»

یعنی: در هر صبح و شام سه بار سوره های اخلاص و معوذتین: « قل اعوذ برب الفلق... و قل اعوذ برب الناس... را بخوان برایت از هر چیزی کفایت می کنند. ترمذی گفت: این حدیث حسن و صحیح است.

سایر احادیثی وارده در فضیلت سوره اخلاص:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يا عقبة ألا أعلمك سورا ما أنزلت في التوراة و لا في الزبور و لا في الإنجيل و لا في الفرقان مثلهن ، لا يأتين عليك إلا قرأتهم فيها ، « قل هو الله أحد » و « قل أعوذ برب الفلق » و « قل أعوذ برب الناس ».

(رسول الله صلى الله عليه وسلم خطاب به عقبه بن عامر رضی الله عنه فرمودند: ای عقبه آیا من به تئوسورهای را یاد ندهم که همانند آنها نه در تورات و نه هم در زبور و انجیل و نه هم در قرآن نازل نشده است ، و شبی بر تو نگذرد مگر این آنها بخوانی ، همانا « قل هو الله أحد » و « قل أعوذ برب الفلق » و « قل أعوذ برب الناس » می باشد. (این روایت صحیح در سلسله احادیث صحیحه شماره: 2861) آمده است)

- عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رضی الله عنهما) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، تَعْدِلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ ». (ابن عباس (رضی الله عنهما) می گوید: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «سورة اخلاص برابر با یک سوم قرآن می باشد»

- عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ (رضی الله عنه) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وسلم): «أَيَعِجْزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ فِي لَيْلَةٍ ثُلُثَ الْقُرْآنِ؟» قَالُوا: وَكَيْفَ يَقْرَأُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) يَعْدِلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ»

(ابودرداء (رضی الله عنه) می گوید که: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «آیا یکی از شما نمی تواند در یک شب، یک سوم قرآن را بخواند؟ صحابه عرض کردند: چگونه یکی از ما می تواند یک سوم قرآن را بخواند؟ فرمود: «سورة اخلاص برابر با یک سوم قرآن می باشد»

- وفي رواية «إِنَّ اللَّهَ جَزَأَ الْقُرْآنَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ، فَجَعَلَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ جُزْءًا مِنْ أَجْزَاءِ الْقُرْآنِ». و در روایتی آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «خداوند عزوجل قرآن را به سه بخش تقسیم نموده است و سورة اخلاص یکی از بخش های سه گانه قرآن می باشد» .

- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رضی الله عنه) قَالَ: أَقْبَلْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وسلم) فَسَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وسلم): وَجَبَتْ، فَسَأَلْتُهُ مَاذَا يَأْتِي رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: الْجَنَّةُ».

ابوهریره (رضی الله عنه) می گوید: همراه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می آمدم، آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) صدای مردی را شنید که سورة اخلاص را می خواند، فرمود: «واجب شد» گفتیم: ای رسول خدا! چه چیزی! فرمود: «بهشت».

- وَ عَنْهُ (رضی الله عنه) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وسلم): «اخْشِدُوا فَإِنِّي سَافِرٌ

سوره الاخلاص

عَلَيْكُمْ ثُلُثُ الْقُرْآنِ» فَحَشَدَ مَنْ حَشَدَ ثُمَّ خَرَجَ نَبِيُّ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) فَقَرَأَ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) ثُمَّ دَخَلَ فَقَالَ بَعْضُنَا لِبَعْضٍ: إِنِّي أَرَى هَذَا خَبَرٌ جَاءَهُ مِنَ السَّمَاءِ فَذَلِكَ الَّذِي أُدْخِلَهُ. ثُمَّ خَرَجَ نَبِيُّ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) فَقَالَ: «إِنِّي قُلْتُ لَكُمْ سَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ ثُلُثَ الْقُرْآنِ إِلَّا إِنَّهَا تَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ».

- از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «جمع شوید، زیرا می‌خواهم یک سوم قرآن را برای شما بخوانم» پس تعداد زیادی اجتماع نمودند، آنگاه پیامبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) بیرون آمد و سوره اخلاص را خواند و وارد خانه شد؛ سپس دوباره بیرون آمد و فرمود: «من به شما گفتم: یک سوم قرآن را برای شما خواهم خواند، بدانید که سوره اخلاص با یک سوم قرآن، برابری می‌کند».

- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ (رضی الله عنه) أَنَّ رَجُلًا سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) يَرِيدُهَا فَلَمَّا أَصْبَحَ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ وَكَانَ الرَّجُلُ يَتَقَالَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم): «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا لَتَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ».

ابوسعید خدری (رضی الله عنه) می‌گوید: شخصی شنید که فرد دیگری سوره اخلاص را می‌خواند و تکرار می‌نماید، صبح هنگام نزد رسول اکرم (صلى الله عليه وسلم) رفت و ماجرا را برایش تعریف نمود، طوری که، گویا این کارش را کوچک می‌شمرد، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، سوره اخلاص برابر با یک سوم قرآن می‌باشد».

- عَنْ عَائِشَةَ (رضی الله عنها) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) بَعَثَ رَجُلًا عَلَى سَرِيَةٍ وَكَانَ يَقْرَأُ لِأَصْحَابِهِ فِي صَلَاتِهِمْ فَيُخْتِمُ بِ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) فَلَمَّا رَجَعُوا ذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وسلم) فَقَالَ: «سَلُّوهُ لَأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ» فَسَأَلُوهُ فَقَالَ: لِأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم): «أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ» وَفِي رِوَايَةٍ "حُبُّكَ إِيَّاهَا أَدْخَلَكَ الْجَنَّةَ".

عایشه (رضی الله عنها) می‌گوید: نبی اکرم (صلى الله عليه وسلم) مردی را به عنوان مسئول یک دسته نظامی تعیین فرمود؛ آن مرد نماز را برای همراهانش امامت می‌نمود و قرائتش را در نماز با سوره اخلاص به پایان می‌رساند، هنگامی که برگشتند، موضوع را با نبی اکرم (صلى الله عليه وسلم) در میان گذاشتند. آنحضرت (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «از او بپرسید که چرا چنین می‌کند؟» از آن مرد علت را پرسیدند؛ او گفت:

خداوند در سوره اخلاص توصیف شده است، لذا من دوست دارم که آن را بخوانم. نبی اکرم (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «به او بگویید که خداوند او را دوست دارد». و در

روایتی آمده است که فرمود: «چون صفات الهی را دوست داری، وارد بهشت شده‌ای»

- عَنْ مَعَاذِ بْنِ أَنَسٍ (رضی الله عنه) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم): «مَنْ قَرَأَ: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) عَشْرَ مَرَّاتٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» وَفِي رِوَايَةٍ "قَصْرًا".

- معاذ بن انس (رضی الله عنه) می‌گوید: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «هرکس سوره اخلاص را ده بار بخواند، خداوند برایش خانه‌ای در بهشت می‌سازد، و در روایتی آمده است که برایش قصری در بهشت می‌سازد».

سوره الاخلاص

- حدیث عائشه السابق قال (صلى الله عليه وسلم): «نِعَمَ السُّورَتَانِ هُمَا يَقْرَأَنَّ فِي الرَّكَعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) وَ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)».

از عایشه (رضی الله عنها) چنانچه بیان گردید، روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «چه خوب اند دو سوره‌ای که در دو رکعت قبل از نماز صبح خوانده می‌شوند یعنی سوره‌های کافرون و اخلاص».

- عَنْ عَائِشَةَ (رضی الله عنها) «أَنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وسلم) كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفِّهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا فَقَرَأَ فِيهِمَا «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» وَ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» ثُمَّ يَمْسَحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ».

عایشه (رضی الله عنها) می‌گوید: هر شب هنگامی که نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم) به رختخوابش می‌رفت، کف‌های دستش را کنار هم قرار می‌داد و سوره‌های اخلاص و فلق و ناس را می‌خواند و در دست‌هایش می‌دمید و تا جایی از بدنش که می‌توانست، دست می‌کشید؛ این کار را از سر و صورت و قسمت جلوی بدنش آغاز می‌نمود، و این عمل را سه بار تکرار می‌کرد.

- حدیث عبد الله بن خبيب (رضی الله عنه) قَالَ: خَرَجْنَا فِي لَيْلَةٍ مَطَرٍ وَظُلْمَةٍ شَدِيدَةٍ نَطْلُبُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) لِيَصَلِّيَ لَنَا فَأَدْرَكْنَاهُ فَقَالَ: «أَصَلَّيْتُمْ». فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا فَقَالَ: «قُلْ» فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا ثُمَّ قَالَ: «قُلْ» فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَقُولُ؟ قَالَ: «(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ حِينَ تُمْسِي وَحِينَ تُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ».

عبدالله بن خبيب (رضی الله عنه) می‌گوید: در یک شب بارانی و بسیار تاریک، بیرون رفتیم تا از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بخواهیم که نماز را برای ما امامت نماید، هنگامی که به ایشان رسیدیم، فرمود: آیا نماز را خواندید؟ من چیزی نگفتم. فرمود: «بگو» باز هم من چیزی نگفتم، برای بار سوم فرمود: «بگو». گفتم: ای رسول خدا! چه بگویم؟ فرمود: «هنگام صبح و شام سوره‌های اخلاص و فلق و ناس را سه بار بخوان تو را از همه چیز کفایت می‌کنند».

تفسیر و بیان آیات:

این سوره خدای تعالی را به احدیت ذات و بازگشت ما سوی الله در تمامی حوائج وجودیش به سوی او و نیز به اینکه احدی نه در ذات و نه در صفات و نه در افعال شریک او نیست می‌ستاید، و این توحید قرآنی، توحیدی است که مختص به خود قرآن کریم است، و تمامی معارف (اصولی و فروعی و اخلاقی) اسلام بر این اساس پی ریزی شده است.

و این سوره هم می‌تواند در مکه نازل شده باشد و هم در مدینه، و آنچه از بعضی از روایات وارده در سبب نزول آن ظاهر است این است که در مکه نازل شده.

«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (1) «بگو» ای محمد صلی الله علیه وسلم به آنان «اوست خدای یگانه» یعنی: اگر از بیان نسب خداوند متعال سؤال می‌کنید، بدانید که او خدایی است یگانه؛ در ذات، صفات و افعال خود و او هیچ همتا، وزیر، شبیه و شریکی ندارد.

«الله» از ریشه اله به معنای معبود، اسم برای ذات خداوند است و نامهای دیگر خداوند

سوره الاخلاص

مانند رحمان ، رحیم ، خالق و قادر دلالت بر صفات یا افعال او می کند. خداوند در ابتدای سوره اخلاص ، ذات خود را الله می نامد و آنگاه خود را به احد توصیف می کند. وصف یکتایی خداوند به احد، که مبالغه آن از واحد بیشتر است ، گواه بر این معنی است که وحدانیت خداوند حقیقت بسیط است و هیچ ترکیبی در آن راه ندارد؛ به همین جهت صفت واحد، برای واحد مرکب مانند قوم واحد یا امت واحده به کار می رود. نتیجه اینکه خداوند ذاتی موسم به الله ، به معنای معبودی که بندگان واله و متحیر از درك او باشند است ، که وحدت بسیط دارد و بساطت وحدت آن ذات بدین معنی است که نمی شود آن احد عقلا هرگز دومی داشته باشد؛ چون احدیت بسیط، مستلزم کمال مطلق است و کمال مطلق هیچ امری را فاقد نیست تادومی بیاید که آن را واجد باشد.

«**الله الصمد**» (2) و اوست «**الله صمد**» صمد: کسی است که مردم در برآوردن نیازهای خود به او روی می آورند زیرا او بر برآوردن آنها قادر و تواناست. معنای اینکه خدا صمد است اینست که هر چیزی در ذات و آثار و صفات محتاج او است و او منتهی المقاصد است.

«صمد» در تفسیر مفسران به دو معنا برمی گردد: اول به معنای سخت ، نفوذناپذیر و غیر متغیر و دوم به معنای مرجع و پناه ، مورد نیاز دیگران و بی نیاز از آنان است که در واقع می توان هر دو معنی را به کمال مطلق ، که هیچ نیاز و تغییری در او نیست ، تفسیر نمود، طوریکه هر آنچه اراده کند انجام دهد و قادر متعال باشد، به همین جهت ماسوی او به او نیازمند هستند و قوام آنها به ذات اوست ، پس تصور وجود خداوند مانند انسان که بخورد و بیاشامد و بپوشد و یا مثل او حرکت و فعالیت کند، چنانچه بعضی از ادیان خیال کردند، باطل است و ذات و صفات خداوند را نمی توان با ذات و صفات انسان مشابه دانست حضرت ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: **صمد، سرور و مولایی است که در سیادت و آقایی خود به کمال رسیده است، شریفی است که در شرف خود به کمال رسیده است، عظیمی است که در عظمت خود به کمال رسیده است، حلیمی است که در حلم و بردباری خود به کمال رسیده است، غنیی است که در غنای خود به کمال رسیده است، جباری است که در جبروت خود به کمال رسیده است، عالمی است که در علم خود به کمال رسیده است، حکیمی است که در حکمت خود به کمال رسیده است و او الله سبحانه و تعالی است. صمد صفتی است که بجز او برای احدی سزاوار نیست و هیچ کس همتای او نمی باشد. زجاج می گوید: صمد، سرور و آقایی است که سیادت و آقایی به او انجامیده و بالاتر از او هیچ سرور و سالاری وجود ندارد.**

«**لم یلد ولم یولد**» (4) (کسی را نه زاده و زاده نشده است) یعنی: نه از او فرزندی پدید آمده و نه او خود از کسی زاده شده است زیرا چیزی با او مجانست ندارد تا او از جنس خود همسری برگرفته باشد و - العیاذ بالله - از آن دو، فرزندی متولد شده باشد. همچنین توالد نشانه فناء است زیرا توالد و تناسل برای آن انجام می گیرد که جنس يك چیز بعد از فنای پدر و مادر خود باقی بماند در حالی که نسبت دادن عدم به سوی حق تعالی در گذشته و آینده مستحیل است لذا حق تعالی پدری ندارد تا به وی نسبت داده شود و فرزندی

سوره الاخلاص

نیز ندارد تا به او نسبت داده شوند.

خداوند درباره ذات خود می فرماید چنین تصویری باطل است ، زیرا خداوند نه می زاید و نه زاده می شود، بلکه هستی او همواره بوده و خواهد ماند. نه ابتدایی دارد و نه انتهایی ، تمام هستی از اوست و ذات او ازلی و ابدی است.

قتاده می گوید: مشرکان عرب گفتند: فرشتگان دختران خدایند یهودیان گفتند: عزیر پسر خداست و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست پس خداوند متعال همه آنان را تکذیب کرد و فرمود: لم یلد ولم یولد نه او کسی را زاده است و نه هم خودش از کسی زاده شده است.

«ولم یکن له کفوا احد» (5) (و هیچ کس او را همتا نیست) یعنی: هیچ کس با او هم طراز، مساوی، همانند و همتا نیست و هیچ کس با او در چیزی مشارکت ندارد. بنابراین، در این سوره کریمه: قید (احد) عقیده تثویت و دوگانه پرستی را ابطال می کند. همچنان عقیده کسانی را ابطال می کند که بجز خداوند یکتا به وجود آفریدگار دیگری قایلند چه اگر آفریدگار دیگری وجود می داشت، در آن صورت حق تعالی در نیازها و حاجات، یگانه مرجع و مقصود خلق نبود.

بعضی از محققان علوم اسلامی شرك به خداوند را در هشت معنی قابل تصور دانسته اند که خداوند در سوره توحید آن را نفی فرمودند:

اول و دوم شرك به معنای کثرت و دوگانگی ذات است که خداوند فرمود: «قل هو الله احد»، سوم و چهارم تغیر و نقص است که خداوند با آیه «الله الصمد» آن را نفی فرمود، پنجم و ششم معلول و علت ناقص بودن است که با بیان «لم یلدو لم یولد» آن را نفی کرد، هفتم و هشتم اشکال و اضداد است که خداوند با تعبیر «و لم یکن له کفوا احد» آن را نیز نفی فرمود. پس وحدت خداوند وحدت حقیقی ، بسیط و محض است و چنین وجودی تنها برای يك ذات احدی ، ازلی و ابدی قابل تصور می باشد.

امام رازی: می گوید: این سوره در حق خداوند متعال، مانند سوره کوثر در حق پیامبر صلی الله علیه وسلم است زیرا طعن مشرکان بر پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که گفتند: محمد ابتر است و بعد از خود فرزند مذکری ندارد و نداشتن فرزند به پندار آنان عیب بود اما از آنجا که داشتن فرزند، در حق خداوند متعال عیب و نقصی برای اوست لذا طعن به پیامبرش صلی الله علیه وسلم را در سوره کوثر رد کرد و طعن در حق خود را در این سوره، از این رو در اینجا فرمود: (قل: بگو) تا این طعنه را از خودش دفع کند در حالی که در سوره کوثر نگفت: (قل: بگو) بلکه خودش مستقیماً این طعن و عیب را از پیامبرش دفع کرد. در حدیث شریف به روایت بخاری آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا أحد أصبر على أذى سمعه، من الله؛ إنهم يجعلون له ولداً، وهو يرزقهم ويعافيهم: هیچ کس بر آزاری که شنیده است، شکیباتر از خداوند متعال نیست زیرا در همان حال که مشرکان برای او فرزندی قرار می دهند، او آنان را روزی می دهد و عافیت شان می بخشد». (تفسیر انوار القرآن عبدالرؤف مخلص هروی)

سوره اخلاص معادل یک سوم قرآن کریم است:

برخی از ما چنین تصویری در ذهن خود داریم که تنها تلاوت کردن الحمد لله شریف و سه

سوره الاخلاص

بار تلاوت کردن سوره اخلاص شریف ثواب ختم کامل قرآن عظیم الشان را دارد. و ضرورت برای ختم کامل قرآن عظیم الشان دیده نمیشود، زیرا تنها ثواب تلاوت کردن همین سوره های شریف مساوی به ثواب تلاوت کردن تمام قرآن کریم می باشد. در جواب باید خدمت این دوستان محترم بعرض برسانیم که: پیامبر صلی الله علیه وسلم صراحتاً فرمودند که سه بار تلاوت سوره اخلاص یعنی ثواب ختم قرآن! بلکه فرمودند که سوره اخلاص معادل یک سوم قرآن است؛ چنانکه در حدیث آمده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَيَعْجَزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ فِي لَيْلَةٍ ثُلُثَ الْقُرْآنِ؟» قَالُوا: وَكَيْفَ يَقْرَأُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) يَعْدِلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ». و فی روایة «إِنَّ اللَّهَ جَزَأَ الْقُرْآنَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ، فَجَعَلَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ جُزْءًا مِنْ أَجْزَاءِ الْقُرْآنِ». (صحیح مسلم). یعنی: «آیا یکی از شما نمی تواند در یک شب، یک سوم قرآن را بخواند؟ صحابه عرض کردند: چگونه یکی از ما می تواند یک سوم قرآن را بخواند؟ فرمود: «سوره اخلاص برابر با یک سوم قرآن می باشد». و در روایتی آمده که فرمود: «خداوند عزوجل قرآن را به سه بخش تقسیم نموده است و سوره اخلاص یکی از بخش های سه گانه قرآن می باشد». و علمای بزرگوار اسلام فرموده اند: زیرا تمام قرآن کریم، شرح و بیان اصولی است که در این سوره به اجمال ذکر شده است و نیز از آن روی که اصول عام و کلی شریعت اسلام سه چیز است: توحید، بیان حدود و احکام و بیان اعمال و این سوره به تنهایی عهده دار بیان توحید و تقدیس حق تعالی گردیده است. «انور القرآن». اما ممکن است کسی (مانند سوال کننده) بگوید: اگر تلاوت سوره اخلاص معادل یک سوم قرآن است؛ پس قرائت سه بار آن ثواب کل قرآن را دارد، لذا از قرائت دیگر سوره ها بی نیاز می شویم!

سوال مشابهی از علمای هیئت دائمی افتاء شد که ما در اینجا سوال و جواب مذکور را بیان می کنیم:

سوال: اگر قرائت سه بار سوره اخلاص معادل ثواب قرائت قرآن است، آیا اگر مسلمانی تلاوت قرآن را ترک کند و تنها این سوره را بخواند، گناهکار خواهد شد؟ جواب فرمودند: «در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده که سه بار فرمودند: «الدین النصیحة» یعنی: «دین، نصیحت است»، به ایشان گفتند: نصیحت برای چه کسی ای رسول خدا؟ فرمود: «لله ولکتابه ولرسوله ولأئمة المسلمین وعامتهم» یعنی: نصیحت برای خدا و برای کتابش و رسولش و برای ائمه مسلمانان و عموم مردم. و نصیحت برای کتاب خداوند؛ بوسیله تلاوت آن و تدبر در آیاتش و پند گرفتن از مواظ آن و تجاوز نکردن از حدود آن بوسیله اطاعت از اوامر خدا و دوری از نواهی آن حاصل می شود.

و تردیدی نیست که اکتفا به قرائت سوره اخلاص بتنهایی بدون تلاوت دیگر سوره های قرآن، موافق با نصیحت برای کتاب خدا نیست، و کسی که تنها آن سوره را بخواند نمی تواند به: نصایح، و افزایش ایمان (در اثر تلاوت قرآن)، و آشنایی با احکام حلال و حرام و واجب و مسنون و مکروه آن، و نیز مزین شدن به ادب و اخلاق قرآنی دست یابد. و

سوره الاخلاص

کوتاهی یک مسلمان در این موارد بعنوان مجازات وی بخاطر ترک تلاوت قرآن کافیهست! (یعنی کسی که تلاوت قرآن را ترک کند، از این موارد محروم خواهد شد و خود را مستحق سرزنش می کند) و پیامبر صلی الله علیه وسلم با وجود آنکه فضیلت این سوره را می دانستند که برابر یک سوم قرآن است، و بدون شک براجر و ثواب بیشتر از ما حریص تر و مشتاق تر بودند، اما تنها به تلاوت این سوره اکتفاء نکردند، بلکه دیگر سوره ها را نیز تلاوت می کردند و بر آن مداومت داشتند، و خداوند تبارک و تعالی فرموده اند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» الأحزاب/21. یعنی: «براستی که در سیرت و روش رسول خدا برای شما الگو و سرمشق خوبی است». (فتاوی اللجنة الدائمة (29/4-30) شیخ عبد الرزاق عفی، شیخ عبد الله بن غدیان، شیخ عبد الله بن همانگونه که در فتوای هیئت دائمی افتاء ذکر شده؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم تنه به تلاوت سوره اخلاص کفایت نکردند، و هیچگاه به اصحابش نفرمودند که بجای تلاوت و ختم قرآن، تنها سه بار سوره اخلاص را بخوانند! و ما نیز باید تابع سیرت و سنت نبوی و یارانش باشیم و خود را از قرائت سوره های مختلف قرآن (که هریک دربرگیرنده مواعظ و نصایح و قواعد شرعی است) محروم نکنیم تا خدای متعال قلب ما را مملو از نور هدایت کند، و با شناخت آیات خداوندی، راه مستقیم وی را بیابیم و بر آن قدم برداریم.

ابن عمر رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ إِذَا دَخَلَ الْجَنَّةَ أَقْرَأَ وَارِقٌ وَرَتِلَ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرُؤُهَا». «هنگامی که صاحب قرآن، وارد بهشت شود، به او می گویند: قرآن بخوان و بالا برو همان گونه که در دنیا با ترتیل، قرآن می خواندی؛ زیرا منزلت تو نزد آخرین آیه ای است که آن را تلاوت می کنی». روایت احمد با سند صحیح و (صحیح سنن أبی داود). پس هرکس سوره های بیشتری از قرآن را حفظ و تلاوت کند، منزلت وی نیز در قیامت بالاتر خواهد رفت، اما کسی که تنها به حفظ و تلاوت یک سوره اکتفاء کند، از این فضل محروم می ماند، جدا از اینکه از بسیاری از معارف قرآنی بی نصیب می ماند. أبوموسی أشعری رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الْأُتْرَجَةِ، رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا طَيِّبٌ، وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ التَّمْرَةِ لَا رِيحَ لَهَا وَطَعْمُهَا حُلْوٌ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَثَلُ الرِّيحَانَةِ، رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ، لَيْسَ لَهَا رِيحٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ». صحیح بخاری و مسلم. یعنی: «مؤمنی که قرآن می خواند و به آن، عمل می کند مانند ترنجی است که طعم خوبی دارد و هم از بوی خوشی برخوردار است. و مؤمنی که قرآن نمی خواند ولی به آن، عمل می کند مانند خرمایی است که طعمش شیرین است ولی بویی ندارد. و مثال منافقی که قرآن می خواند، مانند ریحانی است که بوی خوش ولی طعمش تلخ است. و مثال منافقی که قرآن نمی خواند، مانند حنظل است که هم طعمش تلخ یا ناپاک است و هم بوی تلخی دارد».

پس هرآنکس کتاب خدا را بیشتر تلاوت کند، بر علم و آگاهی وی نسبت به شریعت خداوند بیشتر می شود، و هرکس علم و آگاهی او بیشتر شود، عملش بیشتر خواهد شد، و به

سوره الاخلاص

هدایت نزدیکتر می شود.

نکته ی مهم دیگری که باید مد نظر داشت؛ اینست که مابین (جزاء) و (إجزاء) تفاوت است، جزء یعنی اجر و پاداشی که خدای متعال بابت عبادت و طاعتش می دهد، و إجزاء یعنی چیزی را کفایت کردن بجای دیگری و بی نیاز شدن از آن.

و درست است که قرائت سوره اخلاص ثواب و پاداش (جزاء) یک سوم قرآن را دارد (جزاء قراءة ثلث القرآن)، ولی جایگزین قرائت یک سوم از قرآن نمی شود و تلاوت آنرا بی نیاز نمی گرداند (لا تجزئ عن ثلث القرآن).

و لذا بعنوان مثال اگر کسی نذر کند که یک سوم قرآن را تلاوت کند، او نمی تواند تنها با قرائت سوره اخلاص به نذرش وفا کند! زیرا قرائت سوره اخلاص در ثواب و پاداش معادل یک سوم قرآن است نه در إجزاء و تلاوت یک سوم قرآن.

و یا بعنوان مثال کسی که در نمازش سه بار سوره اخلاص را بخواند، این سه بار قرائت جایگزین خواندن سوره فاتحه در نمازش نمی شود، با وجود آنکه به وی اجر و پاداش تلاوت کامل قرآن داده می شود ولی باز بر وی واجب است که سوره فاتحه را در نمازش بخواند، زیرا جایگزین تلاوت فاتحه در نماز نمی شود.

مثال ساده دیگر برای فهم فضیلت سوره اخلاص:

در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده که اجر و ثواب نماز در مسجد الحرام معادل یکصد هزار نماز در دیگر مساجد است، آیا با این حساب کسی از این حدیث چنین برداشت می کند که: نیازی به خواندن نماز در طول ده ها سال نیست! زیرا خواندن یک نماز در مسجد الحرام معادل صد هزار نماز است؟! پس اگر یک نماز در مسجد الحرام خوانده شود، دیگر نیازی به خواندن سایر نمازها نیست!

درحالیکه این فهم و برداشت را هیچکسی از این حدیث نمی کند، بلکه چنین می فهمد که خواندن نماز در مسجد الحرام فضیلت زیادی دارد و لذا می کوشد که در آن مکان نماز بگذارد، اما سایر نمازهایش را ترک نمی کند.

تلاوت سوره اخلاص نیز همینگونه است؛ یعنی کسی نمی تواند بگوید: قرائت سه بار سوره اخلاص مرا از قرائت کل قرآن بی نیاز می گرداند، زیرا اجر هر بار تلاوت آن معادل یک سوم قرآن است. بلکه باید چنین بفهمد که تلاوت این سوره کوچک را نباید دست کم و کوچک شمرد، بلکه بر تلاوت آن حریص باشد و هر شب آنرا بخواند تا اجر و ثواب زیادی نصیب خود نماید، و این برآستی فضل الهی است که این عبادت آسان را برای ما پر ارزش کرده است والله الحمد.

پس هر مسلمانی باید نسبت به تلاوت و حفظ قرآن و تمامی سوره های آن مبادرت ورزد و از سستی و تنبلی بدور باشد، و اگر قرار باشد تمام مسلمانان بجای قرائت قرآن تنها به تلاوت سه بار سوره اخلاص کفایت کنند، در آنصورت قرآن مهجور خواهد شد و قطعاً هدف شارع حکیم و پیامبر صلی الله علیه وسلم هیچگاه مهجور شدن قرآن نبوده است. و پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز قیامت از امت خود بخاطر مهجور ساختن قرآن شکایت می کند. «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان 30).

سوره الاخلاص

یعنی: و پیامبر میگوید: «پروردگارا! قوم من این قرآن را رها نموده و از آن دوری کردهاند».

تداوی با سوره اخلاص :

در این هیچ جای شک نیست که سراسر قرآن عظیم الشان نسخه کاری برای تداوی امراض بشمار می رود. قرآن عظیم الشان، وحی الهی و کتاب دین و عقیده و توحید و نسخه کامله تداوی دردهای اجتماعی و کتاب حکمت و بشارت و موعظه و هدایت و در کل، کتاب حیات و زندگی و راهنمای راه کمال دنیا و آخرت و عروج به معارج بلند انسانی و روحانی است.

قرآن عظیم الشان نسخه‌ای بی‌بدیل و شفابخش برای نجات جوامع بشری و اصلاح روش های زندگی است و به استوارترین راه رهنمون می‌شود.

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (سوره اسراء آیه 9) (این قرآن، به راهی که استوارترین راه هاست، هدایت می کند).

قرآن پیش از اینکه کتاب چهارده قرن گذشته باشد، کتاب این عصر و عصرهای آینده است و احترام به آن، التزام به دستورات قرآن و به‌کار بستن تعالیم آن است.

شفا بودن قرآن فقط برای کسانی است که ایمان آورده و جزء ظالمین نباشند؛ که البته میزان ایمان شنونده ی آن نیز، در میزان کسب آرامش از قرآن کریم بسیار موثر است و همچنین عدم ایمان به آن نیز نتیجه ی عکس می دهد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (سوره انفال/2) (مؤمنان همان کسانی اند که چون خدا یاد شود دلهایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند).

و در مقابل کسانی که ایمان به خدا ندارند هیچ بهره و آرامش و افزایش ایمانی را از استماع آیات نخواهند داشت: «وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (سوره توبه/124) و چون سوره ای نازل شود از میان آنان کسی است که می گوید این (سوره) ایمان کدام يك از شما را افزود اما کسانی که ایمان آورده اند بر ایمانشان می افزاید و آنان شادمانی می کنند» خواندن سوره اخلاص و معوذتین (فلق و ناس) و فاتحه و دیگر سوره های قرآنی بر مریض از دعاها ی جایز است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آن را انجام داده و صحابه اش وقتی این کار را کرده اند آنها را تأیید کرده است.

بخاری و مسلم از عائشه روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مرضی که به وفات ایشان انجامید معوذات (سوره اخلاص و معوذتین) را بر خود می خواند. حضرت بی بی عائشه می گوید: وقتی پیامبر مریضی اش شدت گرفت و نمی توانست این سوره ها را بخواند، من آنها را می خواندم و ایشان را دم می کردم و دست ایشان را بر بدنش می کشاندم» معمر می گوید: از امام زهری پرسیدم پیامبر چگونه دم می کرد؟ او گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم بر دستهای خودش دم می کرد و سپس دستهایش را بر چهره اش می مالید» (بخاری (5735) و أطرافه فی (2276) مسلم (2192))

سوره الاخلاص

بخاری از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند که افرادی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم بر قبیله ای از قبیله های عرب وارد شدند، آنها اصحاب را پذیرائی نکردند، در همین اثنا ماری سردار قبیله را گزید، آنها به اصحاب گفتند: آیا شما دارو یا دعا خوانی همراه دارید، گفتند: شما ما را مهمانی نکردید، و تا وقتی که برای ما مزدی مقرر نکنید برایتان دعا نمی خوانیم، آنگاه آنها تعدادی گوسفند را به عنوان مزد برای آنها مقرر کردند، آنگاه یکی از اصحاب سوره فاتحه را خواند و همراه با آب دهانش بر آن بیمار دم می کرد و او بهبود یافت، آنها گوسفندان را آوردند و به اصحاب تحویل دادند، اصحاب گفتند از آن استفاده نمی کنیم تا وقتی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم بپرسیم، وقتی که نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمدند، از ایشان سؤال کردند، پیامبر خندید و فرمود: «وَمَا أَدْرَاكَ أَنَّهَا رُقِيَّةٌ خُدُّوْهَا وَاضْرِبُوا لِي بِسَهْمٍ» «چطور دانستی که سوره فاتحه دعا است، گوسفندان را بردارید و سهمیه ای از آن به من هم بدهید». بخاری (5736)، مسلم (2201).

در حدیث اول ذکر شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مرضی اش بر خود برخی از سوره ها را می خواند، و در حدیث دوم ثابت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل صحابه را تأیید کرد.

رقی چیست :

رقی جمع رقیه است و آن خواندن اوراد و دمیدن در آن بمنظور شفا یافتن و سلامتی کسب کردن است. فرقی نمی کند از قرآن کریم یا از دعاها یا مآثور پیامبر باشد.

حکم آن:

جایز است: از عوف بن مالک روایت است که گفت: «كُنَّا نَرْقِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَرَى فِي ذَلِكَ فَقَالَ اعْرَضُوا عَلَيَّ رُقَاكُمْ لَا بَأْسَ بِالرُّقَى مَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِرْكٌ» (صحیح مسلم (2200)). «ما در زمان جاهلیت رقیه می کردیم. گفتیم: ای رسول خدا آن را چگونه می بینی؟ فرمود: رقیه هایتان را برایم وصف کنید اگر در آن شرک نباشد اشکالی ندارد» و از انس بن مالک روایت است که گفت: «رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الرُّقِيَّةِ مِنَ الْعَيْنِ وَالْحُمَةِ وَالنَّمْلَةِ» صحیح مسلم (2196).

«رسول الله صلی الله علیه وسلم اجازه رقیه را برای عین، حمه و نمله داده است». «(العین)». یعنی کسی که به اذن خداوند با چشمش به دیگری ضرر می رساند. «(الحمه)» همان سم است در تمام چیزهایی که سم وجود دارند مانند نیش مار، عقرب یا مانند اینها اجازه رقیه داده شده است. «(النملة)». جراحی که از پهلوی خارج می شود (

و از جابر بن عبد الله روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْفَعَ أَخَاهُ فَلْيَفْعَلْ» صحیح مسلم (2199). «هرکس می تواند که به برادرش نفع برساند پس این کار را انجام دهد». و از عائشه (رضی الله عنها) روایت است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ إِنْسَانٌ مَسَحَهُ بِيَمِينِهِ ثُمَّ قَالَ أَذْهَبَ الْبَاسُ رَبَّ النَّاسِ وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا» صحیح بخاری (5743)، و صحیح مسلم (2191).

سوره الاخلاص

«هنگامی که یکی از ما از دردش به رسول الله صلی الله علیه وسلم شکایت می کرد با دست راستش آن را مسح می نمود سپس می فرمود: ای پروردگار مردم! مریضی اش را برطرف ساز و چنان شفایی عنایت کن که هیچگونه مریضی باقی نماند. چرا که تو شفا دهنده هستی و هیچ شفایی، بجز شفای تو وجود ندارد».

شرطهای آن:

برای جایز بودن و درستی رقیه سه شرط لازم است:

اول اینکه:

معتقد نباشد که آن چیز به ذات خود بدون اذن خداوند به او نفع می رساند. اگر معتقد باشد که آن بدون اذن خداوند و به ذات خودش به او نفع می رساند آن حرام است بلکه آن شرک است. باید معتقد باشد که آن سبب بدون اذن خداوند به او نفعی نمی رساند.

دوم اینکه:

به چیزی نباشد که مخالف شریعت خداوند باشد مانند اینکه محتوی دعا نباید درخواست از غیر خداوند یا استغاثه از جن و آن چیزی هایی که شبیه آن است باشد که اگر اینگونه باشد حرام است بلکه شرک می باشد.

سوم اینکه:

دارای مفهوم و معنی معلومی باشد اگر از نوع طلسم یا سحر باشد در این صورت جایز نیست. از امام مالک- سؤال شد: آیا مرد می تواند رقیه کند و از او درخواست رقیه نمود؟ امام فرمود: اگر با کلام پاک باشد اشکالی ندارد.

رقیه ممنوع :

تمام رقیه هایی که در آن شرطهای گفته شده وجود نداشته باشد مانند اینکه رقیه کننده یا کسی که برایش رقیه می شود معتقد باشد که آن به ذات خود به او نفع می رساند و تأثیر دارد؛ یا اینکه مشتمل بر کلمات شرکی و توسلهای کفری و کلمات بدعی و مانند اینها باشد یا با کلمات نامفهوم مانند طلسم و چیزهایی مانند اینها باشد حرام و ممنوع می باشند.

معالجه به رقیه بهتر است و یا رفتن نزد داکتر

اولاً: در سنت نبوی بر مداوا و معالجه ی مرض تشویق و ترغیب بعمل آمده است ، طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « تداووا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ دَوَاءً غَيْرَ دَاءٍ وَاحِدٍ الْهَرَمَ ».

یعنی: (مریض های خود را) مداوا کنید، چرا که خداوند عزوجل هیچ درد و مرضی را قرار نداده مگر آنکه برای آن درمانی نیز قرار داده است بجز یک درد و آنهم پیری و کهنسالی است. (به روایت امام احمد و ابوداود و ترمذی و ابن ماجه.)

و در روایت دیگر از امام احمد آمده: «تداووا عباد الله ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُنْزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ مَعَهُ شِفَاءً إِلَّا الْمَوْتَ وَالْهَرَمَ» یعنی: ای بندگان الله (مریضی هایتان را) معالجه و درمان کنید، چرا که خداوند عزوجل هیچ مرضی را نازل نکرده مگر آنکه همراه آن شفا نیز فرستاده است، بجز مرگ و پیری.

و باز در روایت دیگری از امام احمد آمده: « فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً ، عَلِمَهُ

سوره الاخلاص

مَنْ عَلِمَهُ ، وَجَّهَهُ مَنِ جَهْلَهُ» یعنی: خداوند متعال هیچ درد و مرضی را نفرستاده مگر آنکه برای آن شفا نیز نازل کرده است، بعضی، سخنان ایشان را فهمیدند و برخی دیگر نفهمیدند.

ثانیا: یکی از سنتهای الهی در کائنات، نظام اسباب و مسببات است، یعنی الله تعالی برای انجام هر عملی سببی را قرار داده است. البته این بدین معنا نیست که الله تعالی بدون سبب نمی تواند کاری را به نتیجه برساند، چرا که اولاً خود سبب هم یکی از مخلوقات باری تعالی است و خود سبب هم را لازمست تا خداوند آنرا اراده و خلق کند.

بر این اساس کسی که خواهان رزق و روزی است، باید اسباب آنرا فراهم کند و اسباب آن هم تلاش و کوشش برای یافتن رزق حلال است، هرگاه فرد این اسباب را بکار بست، خداوند نیز بر طبق سنت خویش به آن شخص رزق می بخشد. یا آنکه هرکسی که مریض گشت، خداوند برای مداوای مرضش اسبابی را قرار داده است و تا شخص مریض آن اسباب را بکار نبندد، مرضش مداوا نخواهد شد، زیرا سنت الهی بر این قرار گرفته است که تا حرکت نباشد برکت هم نخواهد بود. البته باز یادآوری می شود که این امر بطور مطلق برقرار نیست، یعنی اینگونه نیست که اگر شخصی اسباب را بکار نبندد پس خداوند هم قادر نخواهد بود نتیجه را فراهم آورد، چنانکه می بینیم که مریم بنت عمران علیها السلام در محراب عبادت می کرد و بدون آنکه تلاشی برای بدست آوردن طعام و غذا کند، خداوند برایش رزق و روزی می رساند:

« فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (سوره آل عمران 37)

یعنی: خداوند، او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)؛ و کفالت او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.»

بنابراین خداوند متعال بر هر چیزی قادر است، کافیت تا اراده کند و آن چیز روی دهد: « بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ » (سوره بقره 117) یعنی: هستی بخش آسمانها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می‌گوید: «موجود باش!» و آن، فوری موجود می‌شود.

با این وجود خداوند متعال چنین تقدیر کرده است که تا بنده اش تلاش و همت نکند، نتیجه مطلوب را به وی عطا نمی کند و این سنتی خدایی است، و بلعکس گاهی خداوند متعال بر اساس اراده اش چنین تقدیر می کند که شخصی هرچند اسباب را بکار بسته است ولی باز به هدف و مقصود نمی رسد و اینجاست که گویند حکمت الهی بر خلاف سنت رایج رقم خورد.

سوره الاخلاص

مثلا شخصی که مریض است او باید برای رفع مرض خود اسباب شرعی را بکار ببندد و نباید در منزل بنشیند و کاری نکند، زیرا شفای او در اینست تا اسبابی را که خداوند متعال برایش قرار داده (از قبیل طبیب و دارو و دعا کردن و یا رقیه شرعی) بکار ببندد، پس از آنکه شخص مریض تمامی اسباب لازمه و شرعی را برای رفع مرض خود بکار بست، نتیجه تلاش او در دست خداوند متعال است: اگر الله تعالی اراده کرد پس آن اسباب را برایش سببی جهت شفا قرار می دهد و مریضی اش بهبودی می یابد. و اگر اراده نکردند، پس هرچند که اسباب را بکار بسته است ولی چون اراده ی الله تعالی با خواست ما متضاد بوده است، پس نتیجه چیزی خواهد شد که خداوند متعال می خواهد، زیرا حکمت الهی بر آن قرار گرفته است، ولی از آنجائیکه ما از اراده ی خداوندی اطلاعی نداریم، چرا که ما بر او تسلط نداریم - پس نباید به این فکر باطل که؛ آری اگر خدا بخواهد خوب می شویم و اگر نخواهد خوب نمی شویم پس نیازی نیست به نزد داکتر مراجعه نمایم و یا کاری کنیم، اسباب لازم و شرعی را به خدمت نگیریم، چرا که ما نمی دانیم که خداوند چه چیزی اراده کرده اند، چه بسا اگر اسباب را به خدمت می گرفتیم خداوند نیز مریضی ما را شفا می داد!

بنابراین : چون در نظام کائنات سنت اسباب و مسببات برقرار است، لذا تا حرکتی صورت نپذیرد، برکتی هم حاصل نمی شود مگر آنکه خداوند چیز دیگری بخواهد.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

سوره الاخلاص

فهرست :

معلومات مؤجز
ترجمه آیات
محتوا سوره
شأن نزول سوره اخلاص
فضيلت سوره اخلاص
تفسير وبيان آیات
سوره اخلاص معادل يك سوم قرآن است
تداوی با سوره اخلاص
رقی چیست
شروط رقيه
رقیه ممنوع

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی)
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرّم دل
- تفسیر کابلی
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library